

اسفند ماه ۹۹

## نشریه فرهنگ، مذهب، سیاست و اجتماع افق

شماره

۳

سال هیجدهم

هیات مکتب الشهدا، دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی

رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه  
اهداف بعثت صرفاً با بیان  
محقق نمی‌شود، افزودند:  
پیامبران برای این امر بسیار  
مهم باید مناسبات اجتماعی  
ایجاد می‌کردند که طبعاً این  
امر نیز قدرت و نظام سیاسی  
می‌خواهد.

۱۳۹۹/۱۲/۲۱



پایان زینبوی  
سائیک







## ”سفن سردبیر :

به نام آنکه علی (ع)

را بنده و مولا آفرید، بنده ی خود و مولای دیگر بندگانش  
سلام رفقا

ایامی که گذشت؛ ولادت حضرت مولی الموحدین امیرالمومنین علی علیه السلام و تولد یک سالگی پروژه خودسازی شهدایی پرواز بدون بال رو بهتون تبریک میگم و مبعث حضرت محمد(ص) رو هم ویژه بهتون تبریک میگم شهدا انسان‌های پاکی هستند که با عقل شان مسیرشان را انتخاب کردند و عاشق خدا شدند و برای خدا فدا شدند، توجهشون از چیزهای دیگه دور شده و به معشوقشون متمرکز شده و در نهایت این عشق به خدا آنها را به فدا شدن برای معشوق کشاند چیزی که در شهدای ما وجود دارد عقلانیت شان است که همین عقلانیت آنها را عاشق خدا کرده به قول استاد پناهیان (( شجاعت شهدای ما فقط از روی احساسات نبود از روی عقلانیت بود و احساسات شهدا از عقلانیت شان جدا نیست.)) شهدا شجاعت توأم با تدبیر داشتند.

البته بعضی حرف هایی در جامعه رواج دارد که عشق و عقل را از هم جدا کرده ولی خلاف این را معارف بی نظیر دین مبین اسلام اثبات می کند... عقل تنها موجودی است که می تواند خدا را دوست داشته باشد چون اصلاً خدا را درک می کند لذا در فرهنگ دینی ما هر کسی عاقل باشه عاشق تر هست و برعکس هر کسی عاشق تر عاقل تر، پس مسیر عاشق شدن عاقل شدن هست اینکه آدم معرفت پیدا کنه...

و چقدر خوب شهدا نسبت به خدا معرفت پیدا کردند و برای خدا از جان و مال و خانواده گذشتند.





## فهرست

سخن سر دبیر	نام نشریه: افق
در محضر ماه ..... ۱	صاحب امتیاز:
دیگه چه خبر ..... ۲	هیات مکتب الشهداء دانشجویان
خط سرخ پیروزی ..... ۴	دانشگاه محقق اردبیلی
ماه خصوصی ها ..... ۶	دوره انتشار: گاهنامه - شماره سوم - اسفندماه ۱۳۹۹
علی از دیدگاه نویسنده شهیر مسیحی.... ۷	مدیر مسئول: مهدی پاشایی تاش
گزارش پروژه پرواز بدون بال ..... ۹	سر دبیر: زهرا باختر
با تو رقم زده اند مسلمانی مرا ..... ۱۱	شماره مجوز: ۳۶۸۴ / ف / م
مصاحبه ..... ۱۲	هیئت تحریریه: عرفان سودمی
معرفی کتاب علی از زبان علی..... ۱۵	مریم دوستی - فاطمه شمسی پور -
معرفی فیلم تک تیر انداز ..... ۱۶	سعیده رستم زاده - رباب حبیبی -
دلنوشته یکی از مخاطبان پروژه	معصومه قربان دوست - نسترن اژدری -
پرواز بدون بال..... ۱۸	زهرا باختر - لیلا شمشیری
مهدویت ..... ۲۰	گرافیک: لیلا شمشیری
آدرس: اردبیل - دانشگاه محقق	این شماره از نشریه تقدیم:
اردبیلی - مسجد دانشگاه	ساحت مقدس حضرت محمد(ص) و
شماره تماس: ۰۹۱۴۵۹۸۱۷۷۴	شهادی پرواز بدون بال







### در محضر ماه

## سخنان رهبری در مورد مهم‌ترین درس زندگی امام علی (ع) برای جامعه امروز:

صادقانه‌ای را که در پیش گرفتید، رها نکنید و مبادا سخنان فتنه‌گران در دل‌های شما سستی به وجود آورد.

این شرایط غبار آلود، گاهی به گونه‌ای است که برخی نخبگان نیز دچار خطا و اشتباه می‌شوند، بنابراین در دوران فتنه، شاخص لازم است و شاخص هم همان حق و بینه‌ای است که حضرت علی (ع)، مردم را به آن ارجاع می‌دادند و ما نیز امروز نیازمند آن هستیم. شاخص و راه روشنی که امیرالمومنین (ع)، معرفی می‌کنند، اداره جامعه اسلامی با دستورات اسلام، برخورد قاطعانه با دشمنان متعرض، مرزبندی شفاف و روشن با دشمنان و هوشیاری در مقابل فریب دشمنان است.

سیاست‌ورزی امیرالمومنین (ع) آمیخته با سلوک معنوی و اخلاقی آن حضرت بود. یکی از ویژگی‌های سیاست‌ورزی حضرت امیرالمومنین (ع)، پرهیز از مکر و فریب بود، در حالی که در نظام‌های سکولار و نگرش‌های مبتنی بر جدایی دین از سیاست، استفاده از هر روشی از جمله مکر و حيله اشکالی ندارد. در مکتب سیاسی مولای متقیان، توسل به ظلم و دروغ برای پیروز شدن جایگاهی ندارد و حضرت علی (ع) به طور جدی از مردم می‌خواستند که با تملق و چاپلوسی با او سخن نگویند. رفتار آن حضرت با همه افراد و جریان‌های معارض و مخالف، یکسان نبود و میان آن‌هایی که با وجود داشتن اهداف حق، از روی جهالت و قشری‌گری، به راه انحراف و اشتباه می‌افتادند، با افرادی که از ابتدا در راه باطل بودند، تفاوت قائل می‌شدند، ضمن اینکه آن حضرت در مقابل انحراف و توسل به ظواهر دینی، قاطعانه می‌ایستادند. مهم‌ترین درس زندگی آن شخصیت بی‌نظیر تاریخ بشر، برای امروز دنیای اسلام و جامعه، بصیرت‌بخشی، روشن کردن فضا و عمق دادن به ایمان و اندیشه کسانی است که نیازمند بصیرت هستند. مهم‌ترین عیدی در این روز بزرگ، درس گرفتن از راه و روش، رفتار و گفتار آن حضرت است. امیرالمومنین (ع) در آن دوران فتنه به یاران خود نهیب می‌زدند که این راه حق و

عَلَاءُ اللَّهِ  
عَلَيْهِ السَّلَامُ





### \*دیگه چه خبر :

#### سخنرانی رهبری

سلام رفقا امیدوارم حالتون سی پی آر منفی و خوب باشه تو این ستون از نشریه طبق روال معمول به سر خط مهمترین خبرهای کشور می پردازیم. در این مدت حضرت آقا

سخنرانی داشتن که به ترتیب به سر خط هایی از این سخنرانی ها اشاره می کنیم

۱۳۹۹/۱۱/۶ دیدار با خانواده شهید فخری زاده و تجلیل از افتخارات علمی، فنی و اخلاص ایشان.

۱۳۹۹/۱۱/۱۵ دیدار با جمعی از مداحان به مناسبت میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها که فرمودند:

(۱) نشانه های مودت اهل بیت علیها سلام در جمهوری اسلامی مشهود است

(۲) به نگاه اسلام به زن افتخار می کنیم و در مقابل نگاه غرب به زن و سبک زندگی را سراپا اعتراض داریم

(۳) با وجود مشکلات داخلی حرکت رو به جلو است

۱۳۹۹/۱۱/۱۹ دیدار با فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش:

(۱) بیان کردند یکی از همان احمق های درجه یک، دو سال پیش گفته بود ژانویه ۲۰۱۹ را در تهران جشن میگیریم حال آن شخص خودش به زباله دان تاریخ رفت و رئیس او هم با لگد و افتضاح از کاخ سفید اخراج شده است اما



جمهوری اسلامی ایران به لطف خداوند سر بلند ایستاده است

(۲) طرفی که حق دارد برای ادامه کار برجام شرط بگذارد

جمهوری اسلامی ایران است چرا که از اول به همه تعهدات برجامی

خود عمل کرد ولی آن ها تعهدات خود را نقض کردند

(۳) اگر تمام تحریم ها را در عمل بردارند به تعهدات برجامی برمیگردیم

۱۳۹۹/۱۱/۲۹ ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی در سالروز قیام ۲۹ بهمن مردم تبریز

(۱) فرمودند انقلاب توانست مدیریت کشور را از یک حکومت مستبد و پادشاهی به یک حکومت مردمی جمهوری و مردم سالاری تبدیل کند

(۲) منطقه تبریز و آذربایجان ۲ ویژگی هویتی ثابت و همیشگی داشتند یکی عبار تند از دلبستگی عمیق به اسلام به دیانت اسلامی و دومی غیرت و حمیت شدید نسبت به ایران

(۳) عمل طرف مقابل در برجام را ببینیم ماهم عمل خواهیم کرد حرف و وعده خیلی شنیدیم که در عمل تمام حرف ها نقض شده است

و در آخرین دیدار این ماه ایشان با نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۴ داشتن فرمودند:

(۱) سه کشور اروپایی و آمریکایی مستبدانه و طلبکارانه حرف میزنند آنها از اول اصلا به تعهداتشان عمل نکردند

(۲) اسلام ساخت سلاح هسته ای را ممنوع می داند

(۳) اگر لازم باشد برای مصارف غیر نظامی غنی سازی را به ۶۰ درصد می رسانیم





## \*دیگه چه خبر :

رویداد مهم

اما از اخبار کرونایی این ماه به دو خبر کرونایی اشاره میکنم (یک) واردات و تزریق واکسن روسی به اولین گروه که شامل کادر درمان و سالمندان بود تزریق شد



و دوم ۲۲ بهمن امسال را به دلیل کرونا و با شیوه کرونایی به طریق رژه موتوری و خودرویی چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را جشن گرفتیم



اما از سه خبر مهم مجلس در این ماه (۱) طرح شفافیت آرا برای تصویب فقط سه رأی کم داشت و رأی نیاورد امیدواریم این طرح مهم به دلیل اهمیت این موضوع و

بحث شفافیت در کشور در مجلس دوباره بررسی شده و عملیاتی شود (۲) آقای دکتر قالیباف به روسیه سفر داشتن و نامه رهبر انقلاب را به پوتین ارائه دادند (۳) تصویب کلیات بودجه سال ۹۹ در مجلس



در بیست و هشتم بهمن ماه هم رزمایش مرکب کمر بند امنیت دریایی ایران و روسیه در شمال اقیانوس هند که با شعار همکاری جمعی در دریا برای امنیت تجارت دریایی در منطقه ای به وسعت ۱۷ هزار کیلومتر با پیام صلح و دوستی برگزار شد

آخرین خبر این ماه رو هم به ماجرای بی احترامی نماینده مجلس به سرباز وطن اشاره می کنیم و به عنوان یک دانشجو خواستم بگویم که آقای قانونگذار سرباز وطن حرمت دارد.





## ● خط سرخ پیروزی

# ذوالفقاری محمد هادی



شهادت خط سرخ پیروزی است آن هم در جنگی که برای سربازان، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد. شهیدان راهشان را انتخاب کردند، آنها خوب می دانستند قدم در وادی ولایت حسین گذاشتن اجر و مزدش شهادت است. که گوارای وجودشان باد از دست اربابشان، شهیدان از شهادت سیراب شدند و تبدیل به ستارگانی شدند که با آنها می شود راه را پیدا کرد راه رسیدن به خدا. سال ۱۳۶۷ بود که محمد هادی یا همان هادی به دنیا آمد. تولد او مقارن با شب جمعه و چند روز بعد از ایام فاطمیه بود.

تقویم را که ورق میزنند می بینند درست مصادف است با سالروز شهادت امام هادی ع بر همین اساس نام او را محمد هادی می گذارند. عجیب است که او عاشق و دلداده امام هادی ع شد و در راه امام هادی ع و در شهر امام هادی ع یعنی سامراء به شهادت رسید. آری نسل سوم انقلاب ما اگر چه طعم روزهای پر تلاطم جنگ و انقلاب را نچشیده اند اما جوانانی هستند، کپی برابر اصل شهدای جنگ تحمیلی. این حکایت ها اختصاص به جوانی به نام محمد هادی ذوالفقاری دارد که همیشه سعی داشت مانند شهدا باشد. نوع لباس پوشیدن، بر خورد و گفتار او همه را یاد شهدا می انداخت. آن قدر برای شهدا خدمت کرد تا خدا هم برای او معبری برای شهادت باز کرد و در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۹۳ در دفاع از حریم عسکریین به شهادت رسید. وقتی انسانی کارهایش را برای خدا و پنهانی انجام دهد، خداوند در همین دنیا آن را آشکار می کند. محمد هادی ذوالفقاری مصداق همین مطلب است. او گمنام فعالیت کرد و مظلومانه شهید شد. به همین دلیل است که بعد از شهادت، از هادی ذوالفقاری زیاد شنیده ایم.

روحیه انقلابی شهید ذوالفقاری در نجف هم پایدار بود. دوستانش میگویند چیزی نمیتوانست جوشش انقلابی او را فرو بنشانند، علاقه او به مقام معظم رهبری زبانزد همه بود. این علاقه به خاک ایران محدود نمیشد. حتی اگر کسی در عراق علیه انقلاب و حضرت آقا حرفی میزد هادی با او وارد بحث میشد و معتقد بود تحت هر شرایطی و در هر کشوری باید از حریم ولایت و ولایت فقیه دفاع کرد. او ویژگی های خاصی داشت همیشه دائم الوضو بود، مداحی می کرد، اکثر اوقات ذکر سینه زنی هیئت را می گفت، اخلاص او زبانزد رفق بود.





اگر کسی از او تعریف می کرد، خیلی بدش می آمد. وقتی که شخصی از زحمات او تشکر می کرد، می گفت خرمشهر را خدا آزاد کرد، یعنی ما کاری نکرده ایم. همه کاره خداست و همه کارها برای خداست. این شهید بزرگوار یک هفته پیش از شهادتش وصیت نامه خود را نوشته و در آن ذکر کرده بود: دنیا رنگ گناه دارد؛ دیگر نمی توانم زنده بمانم. او میگفت: آرزو دارم انتقام سیلی حضرت زهرا را بگیرم. وقتی من شهید شدم آنقدر بر سر من یا حسین، یا حسین بگو تا امام حسین (ع) پیش من حاضر شود. این شهید بزرگوار در جایی عنوان کرده بود: یک روز با خودم گفتم من زشتم! اگه شهید بشم هیچکس برام کاری نمی کنه! اصلا کسی پیدا نمیشه برام پوستری طراحی کنه، تو دل خودم خندیدم و باز گفتم؛ کسی برای تو از این کارها نمیکنه بچه جون. خدا بر ایمان کاری اندازه محبتمان بکند. گفتمی است؛ این شهید هم اکنون در وادی السلام نجف آرمیده است. شهیدان از نفس افتادند تا ما از نفس نیفتیم، قامت راست کردند تا ما قامت خم نکنیم، به خاک افتادند تا ما به خاک نیفتیم.

## شهید هارک زوالفقاری

U N





## ماه خصوصی ها

رجب بودن رسیدند اهل رجب هستند ماه رجب برای این ها یک موضوعیت دارد کلمه رجبی یعنی اهلیت، رفاقت، صمیمیت، انس.

بنابراین نباید این فرصت بی نظیر را از دست داد. به خاطر همین خداوند این ماه را به خودش نسبت داده که پیامبر می فرماید رجب ماه خداست شعبان ماه من است و رمضان ماه امت من کسانی که می خواهند یک جهش به سمت پاکی و نور داشته باشند باید از ماه رجب استفاده بکنند.

رحم زمانی رجب بسیار قدرتمند است اگر کسی خودش را در رحم زمانی رجب قرار دهد و توجه ویژه داشته باشد ده ها سال جلو می افتد. استفاده از این روزهای اندکی هم که باقی مانده غنیمتی است که شاید با هزاران ماه برابری کند.



جنگیدن با کافران در این ماه حرام است و رجب ماه خدا است و شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه امت من است

ماه رجب آن قدر درخشش و قدرت سازندگی دارد که می تواند معادل ۶۰ - ۷۰ سال برای ما سازندگی ایجاد کند. این قدر مسئله «رجب» اهمیت دارد که در صحنه قیامت می گویند: «این الرجبیون؟» معلوم می شود که بین قیامت، نفس انسان و رجب رابطه مستقیم و خاص و ویژه ای وجود دارد. رجب با ساختار نفس ما تناسب و هماهنگی دارد که در قیامت ظهور خاصی پیدامی کند.

بخشی از سخنرانی استاد شجاعی در مورد ماه رجب:

ماه رجب ماه بسیار عزیزی است که نهایت استفاده را باید بکنیم اینکه در روز قیامت وقتی که می خواهند افراد را تقسیم کنند با این الرجبیون یک قسمتی از افراد را جدا می کنند این نشان می دهد که اهل رجب بودن یک کمال انسانی و کمال آخرتی است.

تقسیم بندی خداوند نسبت به انسان ها در قرآن کریم بر اساس تقسیم بندی انسانی است که انسان ها را بر اساس کمالات وجودیشان تقسیم میکند و در قیامت هم نیز افراد را بر اساس کمالات وجودیشان تقسیم بندی می کند که یکی از آن دسته ها رجبیون است یعنی این ها در دنیا با رجب انس گرفتند و شخصیت سازی کردند و به مقام

به نام خدا رجب ماه خصوصی هاست. رمضان ماه عمومی هاست. کسی که ماه رمضان در خداوند متعال برود زیاد هنر نکرده. اما اگر کسی ماه رجب بلند می شود و عبادات ماه رمضان را آغاز می کند، او به صورت ویژه تحویل گرفته می شود.

رجب، ماه عبادت برای دوستان خاص حضرت حق هست. کسانی که در ماه رجب عبادت خودشان را پر آب و رنگ قرار می دهند و توجه بیشتری در عبادات پیدا می کنند، اینها از دوستان خاص حضرت حق به حساب خواهند آمد ...

ماه رجب اولین ماه از بهار معنوی است. همان طور که در بهار مادی فصل نو شدن طبیعت است، برای روح ما هم فصلی وجود دارد که بهار روح ماست و این فصل با ماه رجب آغاز می شود.

ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان شرافت زیادی دارند و در فضیلت آنها روایات بسیاری وارد شده است. از پیامبر رحمت (ص) روایت شده که:

ماه رجب ماه بزرگ خدا است و ماهی در حرمت و فضیلت به آن نمی رسد و







## علی (ع) از زبان نویسنده شهیر مسیحی



دلیل در مورد علی (ع) و نهج البلاغه نوشتیم.

"جرج جرداق در مورد عدالت علی می گوید: عدالت موجود در علی علیه السلام و عادات اصیلی چون دوست داشتن خیر، کمک، اخوت، شهامت، کرم، مردانگی، قهرمانی، سوار کاری، شجاعت، عدل، انصاف، فرهنگ، ادب، فکر، علم، دین و زهد، ترس از خداوند و امور دیگری از این دست که از عادات اصیل یک فرد عربی محسوب می شود، مرا واداشت تا از امام علی (ع) نمادی ملی و عربی اتخاذ کنم و به ایشان افتخار کنم. جرداق معتقد است که شخصیتی نزدیک به علی (ع) و روش تفکر وی وجود ندارد. او علی علیه اسلام را انسانی ناب برمی شمارد و معتقد است که لازم نیست صفت ربوبیت به ایشان بدهیم؛ علی یک انسان است اما قدرت ایشان در ایجاد نوعی بیداری و آگاهی جهانی در زمینه حقوق، برابری، عدل، عفو و تسامح باعث شده است تا وی در نظر

بیاید در این روزها که کمی از ظواهر فریبنده این دنیا فاصله بگیریم و وقتی صرف کنیم برای درک انسان هایی که آلوده ی دنیا نگشته اند! مینویسم درباره ی شجاع ترین مرد میدان جنگ، عادل ترین مقام قضاوت، خاضع ترین بنده در محراب عبادت، صادق ترین فرد سیاست و مهربان ترین پدری که تاریخ به خود دیده است!

خواستیم از لسان ناطق نهج البلاغه اش بنویسم ...

خواستیم آیات قرآن را به یاری طلبیم ...

خواستیم احادیث پیامبر (ص) را در وصفشان به کار برم ...

خواستیم نظاره گر نبردهایشان در تاریخ باشیم ...

اما یک آن مجذوب شدم، مجذوب نگاه های غیر، نگاه بزرگان غیر مسلمان که مبهوت مولایمان علی شدند. جرج جرداق، نویسنده شهیر مسیحی که عاشق امام علی علیه السلام لقب گرفته و بیش از ۲۰۰ بار کلام مولایمان را عمیقا به گوش جان سپرده و آن گاه مولایمان را در کتاب «صوت العدالة الانسانیة» که کتابی پنج جلدی است توصیف نموده است.

علی و حقوق بشر، علی و انقلاب فرانسه، علی و سقراط، علی و عصر او و علی و ملیت عرب عناوین پنج جلد کتاب «صوت العدالة الانسانیة» است که جرج جرداق، بهترین سال های جوانی اش را صرف تحقیق و نگارش آن کرده است.

او در این کتاب عاشقانه به تفکر انسانی و دوران زمامداری نخستین امام شیعیان پرداخته است.

این نویسنده لبنانی در کتاب "علی صدای عدالت انسانی" درباره علی (علیه السلام) چنین می نویسد: ای دنیا، چه می شد اگر همه نیروهایت را در هم می فشردی و دوباره شخصیتی مانند علی با آن عقل، قلب، زبان و شمشیر نمودار می کردی؟ علی (ع) فرمول کیهانی بی مانند برای تفکر انسانی برگرفته از قوانین ثابت است که زمان و مکان از جوهر آن نمی کاهد. او یک دانشمند، عالم و ادیب در شخصیتی واحد است.

جناب جرداق درباره امام علی (ع) در تفکر مسیحیت می نویسد که: «اگر به برخی از آثار اروپایی در قرون وسطی به ویژه ایتالیایی بنگریم، درمی یابیم که بسیاری از مردم به امام علی (ع) به دلیل شباهت سخنان و روش امام به مسیح (ع)، به عنوان یک قدیس می نگرند.»

جرج در مورد انتخاب سقراط به عنوان نمونه ای برای مقایسه با علی (ع) و اینکه چرا افلاطون، ادیدچین و فرد دیگری انتخابی نکرده است می گوید: سقراط استاد همه این افراد بود و علی در حکمت و فلسفه استاد عصر و نسل خود بلکه استاد نسل های بعد از خود است! به همین





جرج جرداق، دانشمند مسیحی:

ای علی!

اگر بگویم تو از مسیح بالاتری، دینم نمی پذیرد؛  
اگر بگویم او از تو بالاتر است، وجدانم نمی پذیرد...

نمی گویم خداهستی...

پس خودت به ما بگو؛

ای علی!

تو کیستی...

برخی افراد فرابشری باشد. جرداق  
آنگاه می گوید: علی علیه السلام یک  
انسان نمونه بودند، ایشان در دولتش  
عدالت محمدی(ص) را بنیان نهادند!  
مگر ایشان نیست که می گوید فقر در  
وطن، غربت است.

"مال در غربت، وطن است و اینکه  
مردم دو گروه هستند: یا برادر تو در  
دین هستند و یا هم نوع تو در آفرینش  
هستند"

«ای علی (ع)، اگر بگویم تو از مسیح  
بالاتری، دینم نمی پذیرد! و اگر بگویم  
او از تو بالاتر است، وجدانم نمی  
پذیرد!»

«نمی گویم تو خداهستی! پس خودت به ما بگو، ای علی، تو کیستی؟!»

با چنین وصفی که از مولایمان علی (ع) شد هنگام نوشتن، کدامین کلمات را باید به کار برم که در سایه  
شکوه و جلال حیدر، معنای خود را از دست ندهد؟  
به راستی از علی سخن گفتن دشوار است، چرا که علی تنها یک شخصیت بزرگ نیست، علی (ع) معجزه  
ای است که به صورت انسان در تاریخ متجلی شده است!

این گفت: بزرگ و نامدار است علی  
آن گفت که مرد روزگار است علی  
اما به حقیقت او نه آنست و نه این  
آیینۀ ذات کردگار است علی

و این تنها گفته شیعه علی (ع) نیست، بلکه درک هر انسان روشن ضمیری است که بخواهد علی (ع) را  
بشناسد







● گزارشی از پروژه خودسازی شهدای پرواز بدون بال

# پرواز بدون بال

به نام آن که خون پاک بعضی بندگانش را چراغ راه بعضی دیگر می کند.

حضرت آقا:

من عقیده‌ی راسخ دارم بر اینکه یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهدا است.

سلام رفقا در اولین تولد پروژه خودسازی شهدایی پرواز بدون بال هیات مکتب الشهداء دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی، گزارش کار یک ساله پروژه پرواز بدون بال رو تقدیم تون می کنم؛ آنجا که فرد گرایی غربی رواج پیدا کرد و گفت همه چیز برای من، پول من، مال من، همه برای من و حتی همه فدای من... رفتیم سراغ انسان هایی که دقیقا نقطه مقابل این فرهنگ بودند می گفتند من برای همه، حتی جان من فدای همه... بله شهدا... شهدا انسان هایی پاک و بی آلايش بودند و هستند که حتی جانشان را برای خدا فدا کردند انسان هایی که بدون بال پرواز کردند و خون شان آزاد مردی را به جهانیان نشان داد. قبل از شروع این پروژه خودسازی شهدایی پرواز بدون بال هم هیات مکتب الشهداء دانشجویان در زمینه شهدایی فعالیت می کرد و به معرفی و... شهدا می پرداخت ولی این پروژه همه آنچه که بود را منسجم تر و منظم تر و کامل تر کرد، پروژه پرواز بدون بال که با نام شهید عزیز شهید روح الله قربانی در ۱۰ اسفند ۱۳۹۸ شروع شد هر ماه چهار شهید را با **#شهید\_هفته** و **#رفاقت\_آسمانی** و در هفته یک شهید را معرفی می کند که شامل دو بخش اصلی می باشد بخش اول معرفی شهدا که خود به دو قالب تقسیم می شود قالب اول: معرفی شهید و ویژگی های بارز شهید، معرفی کتاب زندگینامه و خاطرات شهید، وصیت نامه شهید، خواندن زیارت عاشورا در شب زیارتی امام حسین علیه السلام به نیت شهید، کلیپ آشنایی با شهید و در آخر پیام شهید به رفقا هست.

قالب دوم: هر هفته یکی از ویژگی های بارز شهید بزرگوار هفته انتخاب و در طول هفته با سه پست (رهبری، کلیپ مذهبی، عکس نوشته) برجسته می شود.

همه این مواردی که خواندید بخش اول پروژه خودسازی شهدایی پرواز بدون بال است.

و اما بخش دوم:

مسابقه پرواز بدون بال

که خود شامل دو بخش اصلی است؛ بخش اول که فقط شامل سوال اول و ثابت هر ماه می باشد و پاسخ دادن به این سوال شانس برنده شدن را دو برابر می کند از مخاطبان می خواهد در ماهی که گذشت





چنانچه از ویژگی شهدای مطرح شده در کانال در زندگی شخصی شان استفاده کرده و خودسازی اخلاقی با توجه به الگوپذیری از شهدا انجام دادند را برای ما کوتاه شرح دهند. و بخش دوم مسابقه؛ شامل سوال دوم تا آخر می شود که با توجه به پست های شهدایی کار شده در ماه گذشته در کانال تلگرام می باشد. هیات مکتب الشهداء در این پروژه تا الان ۵۰ شهید معرفی کرد و هر ماه ۴ شهیدی که یک ویژگی مشترکی با هم داشته باشند معرفی می شود و این ویژگی مشترک هشتگ خاص شهدای آن ماه می شود و این هشتگ

زیر تمام پست هایی که برای شهدای آن ماه در کانال بارگذاری می شود قرار می گیرد و شرکت کننده ها با همین هشتگ خاص می توانند جواب سوالات مسابقه پرواز بدون بال را پیدا کنند.

در ماه مبارک رمضان شهید سردار حاج قاسم سلیمانی را با **#شهید\_ماه** معرفی کردیم در ماه محرم چهار شهیدی که از مکتب حضرت عباس علیه السلام بودند و در روز تاسوعا شهید شدند را با **#فرزندان\_مکتبی** معرفی کردیم در ماه صفر با توجه به حضرت زینب سلام الله علیها چهار شهیده با **#زینبیون\_تاریخ** معرفی کردیم

و در ماه های بعد هم به همین شیوه شهدای عزیز رو معرفی کردیم و در این ماه در حال معرفی کردن چهار شهید استان موم با **#شهدای\_استان\_اردبیل** در کانال تلگرام هیات هستیم. در آخر از همه ی شما دوستان تشکر میکنم که با حوصله این گزارش شهدایی را خواندید و با احترام از شما دعوت می کنم که عضو کانال ما شوید و پروژه خودسازی شهدایی پرواز بدون بال هیات مکتب الشهداء دانشگاه محقق اردبیلی را دنبال کنید به دوستان تان هم معرفی کنید.

**شهید روح الله قربانی:**

شهادت خوب است و تقوا بهتر، تقوایی که در قلب است و در رفتار بروز می کند.

**تقوا = ایمان مستمر، عمل مکرر**

التماس دعا...

یا علی.







## با تورقم زده اند مسلمانی مرا.....

بسم الله الرحمن الرحيم  
با تورقم زده اند مسلمانی مرا...  
تصورتان میکنم لحظه ای که سوره ی مبارکه ی مدثر بر شما نازل شد و از ابهت و عظمت وحی الهی جامه به خود پیچیدید و لرزیدید. حتما از سنگینی بار هدایت آگاهی داشتین...  
ذهنم سفر میکند به زمانی که  
خداوند مهربان خواست رسول دل هایمان شوی و برایمان بخوانی..  
اقرار... بخوان  
آیه ی نور را بخوان...  
و چقدر جهانیان را در شگفتی فرو بردی و ایاتی بر انسان ها خواندی که نظیر آن نیست و نبود. آیاتی که مومنان را در تحیر فرو برد و عشق الهی به آنها هدیه داد و کافران و منافقان را دست به گوش کرد برای نشنیدن آن و ترس از تاثیر آیات آن بر قلبشان...  
چه رنج هایی که بر شما تحمیل شد و مهربانانه آن ها را برای هدایت ما تحمل کردید و آرام آرام ذکر الحمدالله بر زبان جاری ساختید  
سال ها بود شما را محمد امین میخواندند و همه جا پراز احترام و دوستی و محبت شما بود. اما زمانی که به امر الله، رسول برحق اوشدی، دشمنی ها شروع شد... جهل ها نمایان شد. تورا ساحر خواندند. تورا مجنون نامیدند. رنج ها بر تو تحمیل کردند. ترسیدند از جاودانگی نام تودر تاریخ...  
شیب ابی طالب... حرف ها... اذیت ها... تحریم ها... همه از این باب بود که رب شما نابود کننده ی تمامی ربهای ساختگی انها بود. رحمت العالمین... ای رسول نور و رحمت... ای پدر دلسوز... آغوش گرمت را هر روز با خواندن آیات روح بخش قرآن حس میکنم. وقتی در بزنگاه ها آیه ای دستم را می گیرد و مسیری برایم ایجاد می شود. آغوش پدرانه ات تا قیامت برایمان باز است.  
میخواهم قرار بگیرم در آرامشش  
میخواهم تعریف هایم را در زندگی بر مبنای آن بچینم.  
دوست دارم نگاهم را با افق نگاهت تنظیم کنم.  
بشوم همانی که رنج کشیدی بخاطرش  
و ما امروز بیشتر از همیشه تشنه ایم به امت واحدی که برایمان تصویر کردی. امت واحدی که علمش به دوش حضرت حجت (عج) باشد.  
دعا کن برای امت. دعا کن برای یکی شدنمان... برای تشکیل امت واحدی... برای قیام برحق ولی خدا...

اَوَّلُ الْبَابِ





# شهر روح اسد قربانی



به بهانه میلاد سراسر نور آقا جانمون حضرت امیرالمومنین (علیه السلام)، که مصادف با اولین سالگرد **پروژه پرواز بدون بال** که با نام مبارک **شهید روح الله قربانی** شروع شد، پای صحبت های خانم زینب عبد فروتن، همسر شهید قربانی نشستیم تا آلبوم خاطراتشون رو ورق بزنیم و بیشتر از زبان ایشان درباره شهید بشنویم. اگرچه روایت زندگی کوتاه و تأثیر گذار خانم عبد فروتن و داداش روح الله به شکل کامل به قلم خانم مولایی در کتاب «دلنگ نباش» نوشته شده و به تقریظ حضرت آقا رسیده، اما این مدل گفتگوها هیچ وقت خالی از لطف نیست و میشه ازشون دریچه جدیدی رو به شناخت این الگوهای ماندگار تاریخ گشود. پس شما رو به خوندن این مصاحبه دعوت میکنم...

## ۱) اولین آشنایی شما و شهید به چه زمانی برمیگرده؟

اولین آشنایی به دیدار اولمون برای خواستگاری به تاریخ ۱۸ فروردین ۹۱ برمیگرده، که آقا روح الله به همراه دختر خاله مادرم که دوست خدا بیمارز مادر روح الله بود به منزل ما اومدن، من برای اولین بار آقا روح الله رو اونجا دیدم که به جرات می تونم بگم. در اولین نگاه که یک ثانیه هم بیشتر طول نکشید من جواب مثبت را توی دلم به ایشان دادم.

## ۲) شما برای جواب مثبت و ازدواج تون چه ملاک و معیار هایی داشتید؟

من دنبال یک فرد مذهبی اهل نماز اول وقت بودم که از نظر عقاید سیاسی و اجتماعی و خانوادگی تقریباً مثل هم باشیم روح الله در یک خانواده مذهبی، سپاهی و فرهنگی بزرگ شده بود و این تقریباً با محیط که من توش بزرگ شده بودم هماهنگ بود. من به دنبال پسر مستقل بودم فردی که از نظر مالی به قول معروف دستش در جیب خودش باشد مقدارش برایم مهم نبود ولی دوست داشتم فردی را انتخاب کنم که اگر قرار باشد یک شاخه گل برایم بخرد دستش جلوی پدرش دراز نباشد. در بین معیارهای من خود روح الله تقوا رو هم اضافه کرد و گفت که توی زندگی رعایتش خیلی براش مهمه. خب معیارهای دیگه ای هم بود ولی این ها برای من اساسی تر بود.





### ۳) خاطره ای از ماه غسل یا سفر مشترکی که داشتید همیشه برامون تعریف کنید؟

همه زندگی من با آقا روح الله جزو خاطرات قشنگه.

شاید شیرین ترینش برمیگرده به سال ۹۳ وقتی ایشون برای اولین بار اعزام شده بودن سوریه و بعد از ۶۰ روز برگشتن

من داشتم توی دفتر چه که همیشه همراهش بود و کاراشو می نوشت می گشتم که چشمم خورد به برگه که ایشون پر کرده بود در مأموریت، توی برگه تمام جزئیات سفری که قرار بود دو تایی بریم رو نوشته بود چی بخریم،

از کدوم جاده بریم، کجا استراحت کنیم، نکته به نکته. این خیلی برای من قشنگ بود که روح الله حتی در شرایط کاری ام به فکر منو و قول هایی که به من داده هست. اتفاقا این سفر به ما خیلی هم خوش گذشت.

### ۴) برخی از ویژگی های بارز شهید رو همیشه برامون تعریف کنید؟

از ویژگی های بارز شهید اهل برنامه ریزی بودنشون بود که سعی می کردن توی یه دفتری که داشتن همیشه کارهای روزانه، هفتگی، ماهانه و حتی سالانشون رو یادداشت می کردن و می گفتن که اینجوری به اهدافشون بهتر می رسن.

ایشون به شدت پشتکار داشتن و همت و تلاش می کردن، اهل هیأت به اندازه کافی بودن، اهل احترام شدید به پدر و مادر خدا بیامرزشون بودن، دوستدار خانواده و از همه مهم تر تا جایی که می تونست اهل رعایت تقوا بود.

### ۵) پیش اومده بود که داداش روح الله درباره شهادت با شما صحبت کنند؟

خیلی کم ایشون برای اینکه فکر من خیلی درگیر نشه و نگران نشم خیلی از کارشون تعریف نمی کردن، حرف از شهادت می شد می گفت حالا حالا هستم، اما یه وقت هایی خیلی کم و کم رنگ با شوخی سعی می کرد یه چیزایی بگه.

### ۶) به این فکر کرده بودین که اگه روزی ایشون شهید بشن براتون سخته و ته دلتون چی می گذشت؟

یه روز که ایشون رفته بودن سر کار همین جوری که مشغول کارای خونه بودم فکرم رفت به اینکه من یک خانم مسن شدم با بچه های بزرگ که حالا آقا روح الله در سن پیری شهید شده، یادمه وقتی داشتم به این فکر می کردم و کار می کردم تمام مدت گریه می کردم اصلا حواسم به ساعت نبود به خودم که اومدم نزدیک اومدن ایشون بود از محل کار، اومد خونه بهم گفت چرا چشمت قرمز اول چیزی نگفتم





به احترام به پدر و مادر، این که ادای دین داشتن رو در نیارید به دین عمل کنید اشاره کردن و به تقوا هم اشاره کردن به نقل از حاج آقا مجتبی تهرانی از حضرت علی (علیه السلام) که می فرمایند: شهادت خوب است اما تقوا بهتر، تقوایی که در قلب باشد و در رفتار بروز پیدا کند.

**۱۴) به عنوان حرف آخر لطفاً آخرین جملتون به عنوان همسر شهید خطاب به جووناو مسؤلین بفرمایید؟**

اینکه خواهشا برای تفریح هم که شده به وصیت نامه شهدا سر بزنید همه آحاد مردم و هم مسؤلین از جوانان می خواهم با همت بلند برای توسعه کشور مون درس بخونن و در همه عرصه ها در خدمت نظام و مردم و مقام معظم رهبری باشن. برای ظهور امام زمان دعا کنیم و سعی کنیم که خودمون رو برای ظهور آماده کنیم. در آخر برای شناخت بیشتر شهید قربانی به کتاب زندگینامه شهید به نام «دلتنگ نباش» که از انتشارات روایت فتح چاپ شده و مورد تقریظ حضرت آقا قرار گرفته رجوع کنید. برای همه عزیزان آرزوی موفقیت و عاقبت بخیری دارم. التماس دعا یا علی.



هیچ وقت فکر نمی کردم زمانی حضرت آقا را ببینم که ایشان همه زندگی من و روح الله رو خونده باشن، از شدت ذوق زمان دیدار فقط گریه می کردم خدا را هزاران بار به خاطر همسر شهید بودنم شکر می کردم.

**۱۰) شنیدم داداش روح الله و شهید زمانی نیا دوست و همرزم هم بودن در این مورد خاطره ای از داداش به یاد دارین که تعریف کرده باشن؟**

شهید قربانی و شهید زمانی نیا به دوره کوتاهی با هم هم دوره بودند. ولی اطلاعات بیشتری ندارم.

**۱۱) فرزندی هم داشتید؟ خیر ما فرزندی نداشتیم.**

**۱۲) اگه امروز داداش روح الله پیش ما بودن (هرچند که هستند ولی ما در کمون کمه و در کشون نمیکنیم) به نظر تون مهم ترین دغدغه شون چه بود و چند نکته ای خطاب به قشر دانشجو و جوونا می گفتن؟**

ایشون خیلی به درس و تحصیل اهمیت می دادن، قطعاً دغدغه شون ادامه تحصیل به بهترین شکل بود. و اینکه پشت این نظام و مملکت و حضرت آقا موندن بود.

**۱۳) شهید در وصیت نامه به چه مواردی اشاره کردند؟**

بعدن یواش یواش گفتم، گفت چه فکر خنده داری کردی. من بعد از شهادت شهید خلیلی به وقت هایی فکر شومی کردم و فقط برای خودم گریه می کردم و می گفتم که من اصلاً به دقیقه ام بدون روح الله نمی تونم.

**۷) واکنش حاج آقا و حاج خانم (پدر و مادر عزیز شهید) نسبت به شهادت و شغل شهید چطور بود؟**

آقا روح الله مادرشون رو توی سن ۱۵ سالگی از دست دادن مادرشون همیشه دوست داشتن پسرشون یا طلبه بشه یا شهید قطعاً به آرزوشون رسیدن. پدر آقا روح الله از فرماندهان نیروی قدس بودن و کم و بیش در جریان بودن. اما این اواخر به شدت درگیر مریضی بودن و خیلی حال درستی نداشتن، ولی با شنیدن خبر شهادت روح الله خیلی گریه می کردن، واقعاً شکسته شدن و ایشون هم سال ۹۷ به رحمت خدا رفتن.

**۸) به تفریح یا ورزش خاصی علاقه داشتن؟**

عاشق آتیش درست کردن و سیب زمینی درست کردن توی آتیش بودن، بله توی رشته کیو کوشین کمر بند داشتن.

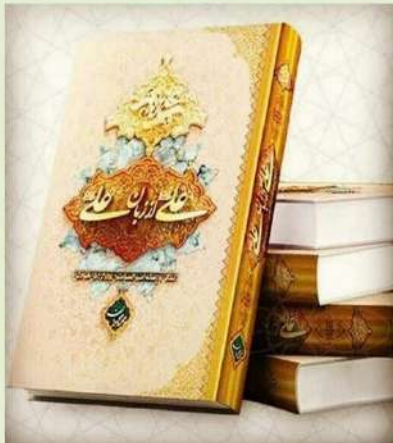
**۹) هستونواز دیدار حضرت آقا و تقریظ شون به کتاب دلتنگ نباش همیشه برامون بگین؟**

حسم که اصلاً توصیف شدنی نیست، خیلی بعد از شهادت آقا روح الله منتظر این روز بودم ولی





## معرفی کتاب علی از زبان علی



کتاب علی از زبان علی

مؤلف: محمد محمدیان

ناشر: دفتر نشر معارف

سال نشر: ۱۳۹۶

تعداد صفحات: ۶۲۴



بسم رب العلی

شاید از هر زبانی شنیده باشیم جز از زبان خودشان!

شاید با هر نگاهی دیده باشیم، جز از دریچه چشمان خودشان! شاید اگر نخوانده بودم هیچ گاه حس و حال علی را هنگام که نخستین ایمان آورنده به پیامبر و اولین برپاکننده نماز در پیش خدا شد را درک نمی کردم

شاید اگر نخوانده بودم جان خویش رو فدای پیامبر خود کردن، یعنی خوابیدن در بستر پیامبر (لیلہ المبیت) را درک نمی کردم

شاید اگر نخوانده بودم نمی فهمیدم ازدواج آسمانی حضرت علی و حضرت زهرا را نمی فهمیدم براستی که خدا علی را برای فاطمه و فاطمه را برای علی خلق کرده است

شاید اگر نخوانده بودن معنی اخوت و برادری را درک نکرده بودم یا ماجرای صفین و غدیر و شهادت الزهرا، درد و دل های علی، ماجرای سقیفه و فدک و... را درک نمی کردم

و شاید حوادث و رخدادهای زندگی حضرت علی ع از لحظه تولد تا شهادت حضرت علی را به خوبی درک نکرده بودم

این اثر ارزشمند با قلم روان، بیان متفاوت و رسا، و روایت های حجت الاسلام محمدیان بیان شده است که این اثر به دلیل انسجام و پیوستگی محتوایی مخاطب را مجذوب خود می کند تا زندگی حضرت در مکه، مدینه، دوران خلفا، دوران خلافت، دوران جنگ جمل، دوران جنگ صفین، دوران حاکمیت، دوران جنگ نهروان، دوران غارت ها و دوران شهادت حضرت و خلاصه لحظه به لحظه حضرت علی از تولد، شادی، غم و... را به زبان حضرت بیان می کند

در کشور ما شاید عشق به امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام به صورت استثنائی و خاصی به چشم می خورد و این خود وظیفه دوست داران و محبین اهل بیت را در قبال شناخت صحیح از زندگی ایشان بیشتر می کند.

حجت الاسلام آقای محمد محمدیان در این کتاب با سبکی جدید و چینیسی هنرمندانه از نقل های معتبر تاریخی روایتی داستانی و جذاب از زندگی و زمانه امیرالمؤمنین علیه السلام را ارائه کرده است. این اثر با توجه به اهمیت موضوعات طرح شده و نگاه جامعه شناختی خود به اتفاقات تاریخی زمانه آن حضرت نقشه راهی است که تاریخ انقضای ندارد و برای تمام دوران ها، به ویژه دوران کنونی، چراغ هدایت است.





## معرفی فیلم تک تیرانداز

دومین ویژگی خاصی که سبب می‌شود مخاطبان جوان و امروزی، با تک تیرانداز ارتباط برقرار کنند، ریتم بسیار سریع فیلم و استفاده از یک قهرمان نوجوان است. این موارد از الگوهای ساده و راهبردی جذب مخاطب هستند که در آثار هالیوودی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

قهرمانی با ویژگی راهبردی که جوان یا نوجوانی او را در طول روایت همراهی می‌کند و رابطه مرید و مرادی رسول و نوجوان رزمنده کاملاً دراماتیک و دلپذیر است. فیلم روی انگیزه‌های ایدئولوژیک حضور در جبهه تأکیدی ندارد و تماشای جنگ به مثابه تقابل خیر و شر را به مخاطب پیشنهاد می‌دهد.

یکی دیگر از ویژگی‌های فیلم این است که روایت ماهرانه‌ای از جبهه دشمن به نمایش می‌گذارد. ارتش بعثی پرداخت جزئی و دقیقی دارد. بازیگرانی که نقش‌های فرماندهان بعثی را ایفا می‌کنند به درستی انتخاب شده‌اند و «تک تیرانداز» تصویر جامع و دقیقی از ضدقهرمان‌ها ارائه می‌دهد.

شهید عبدالرسول زرین، قهرمانی که دشمن را به ستوه آورده بود و شجاعت و بی‌باکی‌اش سبب شد که شهید خرازی لقب گردان تک نفره را به او بدهد. یکی از بهترین تک تیراندازان دفاع مقدس که بعثی‌ها به او لقب صیاد خمینی را داده بودند و بدون این که نامش را بدانند از وجودش وحشت می‌کردند. این حرف‌ها ساخته و پرداخته ذهن هیچ‌کسی نیستند بلکه حقیقت زندگی یکی از مردانی است که دارد در صفحات تاریخ گم می‌شود بی آنکه من و تو و نسل آینده بشناسیمش.

اما فیلم «تک تیرانداز» علی‌غفاری آمد تا شاید گوشه‌ای از رشادت‌های بهترین تک تیرانداز تاریخ، نه تنها ایران بلکه جهان را به تصویر بکشد. و قصه‌های در حال مردن رازنده کند.

فیلم تک تیرانداز به معنی واقعی اثری جنگی است. یکی از مهمترین ویژگی‌های فیلم این است که از هرگونه شعار فاصله دارد. مخاطب چنین آثاری قطعاً نسل‌های کنجکاو دهه هفتاد، هشتاد هستند. مخاطبانی که برخلاف سلیقه عمومی (مخاطب عام) رایج دهه پنجاه و شصت، از شعار و آرمان لذت نمی‌برد، و از فیلم‌هایی که لبریز از شعار و فریاد کشیدن آرمان‌هاست خوشش نمی‌آید.





## فیلم تک تیرانداز

کارگردان: علی غفاری

تهیه کننده: ابراهیم اصغری

بازیگران:



کامبیز دیرباز



عبدالرضانصاری



علیرضا کمالی



امیررضا دلآوری

یکی دیگر از ویژگی های فیلم این است که روایت ماهرانه ای از جبهه دشمن به نمایش می گذارد. ارتش بعثی پرداخت جزئی و دقیقی دارد. بازیگرانی که نقش های فرماندهان بعثی را ایفا می کنند به درستی انتخاب شده اند و «تک تیرانداز» تصویر جامع و دقیقی از ضدقهرمان ها ارائه می دهد.

همیشه عمده مشکل آثار دفاع مقدس، مشکل نمایش تصویر دشمن بوده و سربازان ارتش بعث عراق در اغلب آثار سینمای دفاع، کاریکاتوری هستند. «تک تیرانداز» از معدود آثار دفاع مقدسی است که از حیث شخصیت پردازی، کاریکاتوریزه نشده است. معضل کاریکاتوریزه شدن شخصیت های سینمای دفاع مقدس، محدود به نمایش تصویر دشمنان نیست و این مسئله گاهی گریبان قهرمانان جبهه خودی را می گیرد. به همین دلیل است که کارگردان با انتخاب دقیقی، راهبرد روایت دو روایت موازی را انتخاب می کند و به قهرمانش و خرده روایت مرتبط به او هیچگاه به صورت اغراق آمیزی نزدیک نمی شود.

با تمام این ویژگی ها طبق معمول منتقدان سینما فیلم «تک تیرانداز» را هم از نقد های تندشان بی نصیب نگذاشتند. از ضعیف بودن داستان فیلم گرفته تا اعتراف به این که آن را دوست نداشته اند.

اگر چه نمی توان همیشه هم به این حرف ها اعتماد کرد چون این منتقدان از نسل من و شما نیستند تا از دید من و شما هم ببینند و نقد کنند

در میان خبرنگاران و منتقدان فضای فعلی جشنواره، میانگین و معدل سنی بالای سی و پنج سال است و جوان رسانه ای زیر بیست و پنج سال را کمتر می توان در میان اهالی رسانه یافت که در مورد فیلم اظهار نظر کند.

به همین دلیل در بررسی تمامی این اظهار نظرها باید این نکته را در نظر داشت که تک تیرانداز با جوانان و نوجوانان ارتباط برقرار می کند.

و ساختن چنین فیلمی برای چنین مخاطبانی، در رخوت حاکم بر سینمای پیر و فر توت ایران، شاهکار محسوب می شود.

از این حرف ها که بگذریم و این ها را کنار بگذاریم تنها یک جمله می شود گفت و آن اینکه: «مطمئناً این فیلم ارزش دیدن و آشنایی هر چند کوتاه با این ابرقهرمان را دارد.»





● دنوشته خانم مهسا هدی یکی از مخاطبان هیات و پروژه پرواز بدون بال

# پرواز بدون بال

سلام امیدوارم خوب باشین

یه وقتایی تو زندگی ما آدما هست که از خیلی چیزها غفلت می کنیم، انگار یه راه مبهمی رو در پیش می گیریم و میریم اما این راهه اونقد مبهم و گنگه برامون، که وسطای راه به خودمون میگیریم من دارم به کجا میرم؟ اینجا کجاست؟ چرا اومدم اینجا؟ اصلا چی شد اومدم اینجا؟ بعد این سوالا انگار یه کسی از درونت باهات حرف میزنه، چیزایی میگه که کل ذهنتو میریزه بهم، فکر پشت فکر، سوال پشت سوال، جوابای به ظاهر قانع کننده میدی به خودت اما ته دلت میدونی که این اون چیزی نیست که دنبالش، این اون جوابه نیست.

باز هم به اون راه مبهمت ادامه میدی اما یه جا هست که بالاخره به جواب همه اون سوالات میرسی، انگار یکی منتظر بوده که خودت به اون چیزی که باید بهش میرسیدی برسی، انگار اون یکی از دور کامل زیر نظرت داشته؛ خودتو، فکرتو، حرفاتو... اون یکی کامل رصدت میکرده، شایدم خودش تواین این مسیر مبهم و گنگ انداختت که آخرش به خودت برسی به خود واقعیت، به جواب سوالت که چی شد، که چرا اومدم اینجا، که بدونی اون چیزایی که ازشون غفلت کردی ریشه و اصلشون برمیگرده به خدا، همون خدایی که اونقد ازش دور شدی که حتی تو سوالایی ام که از خودت میپرسی بهش نرسیدی، همون خدایی که اونقدی دوستت داشته خودش اومده دنبالت، همون خدایی که همیشه میگفتی خدا جونم هر چقدم بد باشم دستمو از تو دستت جدا نکن، محکم بگیر دستامو که ولم کنی بدجور گم شدم ... همون خدا اومده که بهت بگه هر چقدم بی معرفتی کنی اما همیشه حواسم بهت بودا

اون موقع ست می فهمی تمام طول راه دستت تو دستت خدا بوده و قدم به قدم باهات میومده حتی تو راه هایی که براش خوشایند نبوده و تازه می فهمی که چطور شد از اون پرتگاهها و گناها برگشتی انگار خدا اون موقع ها محکم دستتو می کشید که برگردی حتی اونقد محکم که با کله بخوری زمین و دردت بیاد، گریه ات بگیره شاید اون موقع ها می گفتی خدایا چرا من؟! خدایا چرا منو نمی بینی؟! و کلی دعوا می کردی باهات ولی بعدها می گفتی خدایا شکرت که برگشتم که تموم شد اون اتفاقه خدایا شکرت که هستی کنارم ...

خیلی وقتم یه حرف کوچیک شنیدن از کسی میشه دست خدا،

یه متن کوچیک دیدن و خواندن از جایی میشه دست خدا، خیلی وقتا دست خدا از یه سمتی میاد به طرفت که چندان باورش نداری چندان باهات اخت نیستی، چندان به تیپ و شخصیت نمی خوره، چندان بهش اهمیت نمیدی، گاه دست خدا میشه حرف یه شهید، وصیت یه شهید، راه و منش یه شهید ...





شهید مصطفی صدر زاده ...  
دست خدا برای من شد  
حرف و منش شهید  
مصطفی صدر زاده که دوباره  
برگردم به سمت خدا، که  
متوجه شدم دارم ازش دور  
میشم، که بفهمم خدا هنوزم  
حواسش بهم هست هنوز  
منو به حال خودم نداشته  
، که هنوزم دوستم داره.  
من یه قرآن دارم، بهترین  
هدیه ایه که تا حالا گرفتم  
اونه، تو میلاد امام حسین، تو  
مراسمی که در دانشگاه بود  
بهمون دادن... تا حالا اینقد  
خوشحال نشده بودم از  
گرفتن چیزی، لای قرآنم یه  
کاغذ سبز رنگی بود که توش  
نوشته بود "این قرآن تمام  
زندگی منه، از امروز در آیه به  
آیه آن تدبر می کنم" هنوزم  
دارمش... با خواندن اون منم  
از اون روز حتی اگر یه صفحه  
ام شده قرآنمو می خوندم تا  
ماه رمضان ختم می کردم  
و تو ماه رمضان از اول  
شروع می کردم و این کارم  
همچنان ادامه داشت اما  
یه مدتی شاید نزدیک یه  
سال یا کمتر دیگه سراغش  
نمیرفتم، پنجشنبه هام بزور  
سوره یس می خوندم، یبار  
که داشتم با خودم فکر  
می کردم یهو گفتم خیلی  
وقته که دیگه سراغ قرآن



نمیری... نکنه دور شی ازش، نکنه اونقدری از خدا  
فاصله گرفته باشی که دیگه اجازه قرآن خواندن  
نداشته باشی  
آخه میدونین من میگم حتی شکر گفتن خدا هم  
اجازه میخواد، اگر خدا اون اجازه رونده حتی زبونت  
به شکر گفتن نمیچرخه چه برسه با هاش حرف  
بزنی، نماز بخونی، قرآن بخونی...  
با خودم گفتم از فردا شروع کن به خواندن قرآن  
اما این فردا کردن ها همچنان ادامه داشت تا اینکه  
اتفاقی تو کانال همدمان جنبه شخصیتی و وصیت  
شهید مصطفی صدر زاده رو دیدم برام جالب اومد  
که من درگیر اینم که قرآنمو شروع کنم و بخونمش  
و ویژگی شخصیتی این شهید قرآن محوری و خود  
سازی بود نمیدونم چرا ولی گفتم این یه نشونه ای  
هست که بهت بگه چکار کنی، بهت بگه با این فردا  
فردا کردن ها راه به جایی نمیبری یبار کی بخواه،  
اراده کن، خدا بهت اراده داده، اختیار داده بگو بسم  
الله و شروع کن  
یکم فکر کردم به کار خودم به امروز فردا کردن  
هام، به اینکه میتونم به کسی قول بدم و رو قولم  
بمونم...  
بسم الله گفتم و قول دادم به این شهید بزرگوار که  
هر روز حتی شده نصف صفحه، حتی شده یک خط  
قرآنم رو حتما بخونم و اینجوری منم قرآن محور  
باشم و در جهت خودسازی قدم بردارم.  
هر چند می ترسیدم که سر قولم نمونم ولی توکل  
کردم و خدارووو شکر که با کمک خدا و عنایت

عنایت این شهید بزرگوار  
هنوزم سر قولم هستم و چند  
جزء موندم که قرآنم رو ختم  
کنم..  
و الانم روی نماز اول وقتم دارم  
کار می کنم که با تمام وجود و  
انرژی روبروی خدا بایستم و  
نماز بخونم که سراسر دعاست  
نه با کسالت و اکراه و خواب  
آلودگی... ان شاء الله بتونم اینم  
عملی کنم...  
حالا بهتر درک می کنم که  
واقعا شهدا زنده اند و هنوزم با  
یه تأثیر رفتاری و شخصیتی  
برای زنده نگه داشتن اسلام  
می جنگند و تلاش می کنند  
و در مورد شهدا بیشتر مطالعه  
میکنم تا بهتر تر بشناسمشون  
و بیشتر بتونم از شون الگو  
گیری کنم.  
حالا میتونم حتی با یه تغییر  
کوچیک و ساده یک قدم  
بیشتر به خدا نزدیک بشم و  
حواسم بیشتر به خدا و خودم  
و کارام باشه...  
شروع یه کاری سخته اما این  
سختی در مقابل قدرت خدا  
ذره ای بیش نیست فقط  
کافیه توکل کرد، فقط کافیه  
خواست، اراده کرد و بسم الله  
گفت. میخوام بگم هر چقدر هم  
از خدا دور شده باشیم آخرش  
به انداره ی سر سوزنی عشق  
بینمون میمونه که اون عشق  
غوغامیکنه، حلقه ی وصلمون





# شکر مصطفی صدرزاده

به خدا همیشه. خدا خیلی وقتا دستاشو بوسیله ی بنده ای، بوسیله ی کلامی، حرفی، حدیثی و یا حتی خوابی بسمت ما دراز میکنه اون موقع ست که باید محکم دستاشو بگیریم که گم نشیم که ازش جدا نشیم که اگر خدا رو ازمون بگیره معلوم نیست عاقبتمون چی بشه ...

خیلی وقتا وقتی پرنده ها رو نگاه می کنیم می گیم خوش بحالشون چه حس خوبی دارن که میتونن پرواز بکنن دور بشن از زمین و زمینی ها و آرزو می کنیم جای اونا باشیم اما یادمون میره که همیشه پا بر زمین داشت و پرواز کرد... اوج گرفت و حتی به خدا هم رسید...  
خیلی وقتا یادمون میره که پرواز بدون بال هم میشه ...

دستتون همیشه تو دست خدا





می نویسم، برای روزهایی که عطر عدالت، کوچه های دلتنگی را لبریز کند و نسیم شادی  
بخش شاپرک ها چتری برای دلخوشی شمعدانی ها باشند.

به امید روزی که یک بار دیگر، صدای دلنشین بلال، از مأذنه های شهر بلند شود و خستگی  
را، از تن منتظران بزدايد.

به امید روزی می نویسم که پیچک های عاشق، از روشنای پنجره ها بالا روند و دست در  
دست ابرها با آسمان پیوند بخورند.

دلخوشیم برای فردایی که بهار، پیراهن سبز خود را بر تن کند و پروانه ها، تمام کوچه باغ ها  
را با بال های طلایی خودشان جارو کنند و زمین، از دست های مهربان باران، فراوانی بنوشد.

کجا نشان تو جویم ای مهر فروزنده ی هدایت و نصر!  
با که گویم حدیث تلخ هجران و انتظار؟  
شکایت فرقت یار با آفریدگار بریم که او دانای اندوه درون ماست.

ای نخستین امیر غایب از نظر!  
مولای من، یوسف فاطمه!





نشریه فرهنگ، مذهب، سیاست، اجتماع افق

از خوشی های همان،  
همیشه  
تو... ما... راه... بس





هیات مکتب الشهداء دانشجویان

- ارسال روزانه عکس های مذهبی ، مذهبی، سیاسی ، اخبار و پوستر های مناسبتی
- کلیپ ها و فیلم های مذهبی ، سخنرانی ، حوادث روز و نماهنگ های مذهبی
- مداحی و سخنرانی های صوتی ، ادعیه و مناجات روزانه به صورت صوتی
- متن های مذهبی ، اشعار ، حدیث ، اخبار مهم و بیان تذکرات فرهنگی و دینی
- هر هفته آشنایی با یک شهید و خودسازی به سبک شهدایی تحت پروژه پرواز بدون بال

نشریه فرهنگی، مذهب، سیاسی و اجتماعی افق

هیات مکتب الشهداء دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی

ارتباط با ما:

  hamdaman-uma

